

طراحی الگوی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران

امانغزیری^{۱*}، محمدیمنی دوزی سرخابی^۲، اباصلت خراسانی^۳ و حمیدرضا آراسته^۴

چکیده

مطالعه حاضر بر آن بود تا ضمن بررسی عناصر تشکیل دهنده خصوصی سازی آموزش عالی در ایران، مؤلفه‌ها و مقوله‌های اصلی تشکیل دهنده این حوزه را در کشور معرفی کند و در نهایت الگویی مطلوب و مطابق با بافت کشور ایران ارائه دهد. در این مطالعه از راهبرد کیفی و روش نظریه داده بنیاد استفاده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا با استفاده از مطالعات اکتشافی اولیه شامل مطالعه اسنادی و مصاحبه مقدماتی با خبرگان، تعدادی از نمونه‌ها شناسایی شدند و سپس دیگر اعضای نمونه از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی (زنجیره‌ای) انتخاب شدند و ۱۶ مصاحبه نیمه ساختارمند با خبرگان، صاحب‌نظران و اساتید حوزه آموزش عالی و خصوصی سازی آموزش عالی انجام شد. روایی یافته‌ها با دریافت نظر متخصصان و کارشناسان آموزش عالی و شرکت‌کنندگان در پژوهش درباره درستی یافته‌ها و تفسیرها و پایایی آن با روش کدگذاری با استفاده از بررسی همکار تأیید شد. نتایج آن به شکل الگویی متشکل از ۱۳ مقوله اصلی شامل عوامل علی (نیازهای زمانی، پایگاه قانونی اقتصادی)؛ زمینه‌ای (زمینه‌گرایی فرهنگی، زمینه‌گرایی سیاسی، زمینه‌گرایی قانونی)؛ مداخله‌گر (محور علمی، سیاست‌گذاری)؛ راهبردها (حمایتی و مالی، ارتباطات، اقدامات اصلاحی) و پیامدها (پیامدهای کلان، پیامدهای دانشگاهی و فردی) و خصوصی سازی آموزش عالی به عنوان مقوله محوری الگو و ۳۶ مقوله فرعی ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: خصوصی سازی؛ آموزش عالی؛ دانشگاه

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای مدیریت آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید

بهشتی، تهران، ایران، a.azizi1388@yahoo.com

۲. استاد آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهران، ایران.

m-yamani@sbu.ac.ir

۳. دانشیار آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهران، ایران.

drkhorasanitr@gmail.com

۴. استاد مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. arasteh@khu.ac.ir

- این مقاله برگرفته از رساله دکترا در رشته مدیریت آموزش عالی است.

DOI: 10.22051/jontoe.2020.31019.3033

https://jontoe.alzahra.ac.ir/article_5199.html

مقدمه

اگرچه آموزش عالی خصوصی پیشینه‌ای طولانی دارد، اما نقش جالب توجهی در بسیاری از نظام‌های آموزش عالی نداشت، ولی در طی دهه‌های اخیر، عمدتاً به دلیل توسعه مداوم و گسترده آموزش عالی در جهان، این شرایط به گونه‌ای توجه‌برانگیز تغییر کرده است. دولت‌ها به دلیل فشار ناشی از محدودیت‌های مالی و افزایش هزینه و مسئولیت ناشی از توسعه بسیار بخش آموزش عالی، به دنبال راهکارهایی هستند که تا به مقابله با این شرایط متناقض از طریق بازتعریف نقش مالی و نقش‌های سیاسی و مدیریتی خود برآیند، چنانچه کرکس (۲۰۱۰) خصوصی‌سازی در آموزش عالی را افزایش اعتبارات خصوصی و اتکای کم‌تر به اعتبارات دولتی و تأکید بیشتر بر آموزش به عنوان محصول، دانشجو به عنوان مشتری، آگاهی از رقابت و شناخت قوت و ضعف نسبت به رقبا، بازاریابی و برون‌سپاری می‌داند. در بسیاری از مناطق جهان، توسعه آموزش عالی خصوصی، از جمله سیاست‌های کارآمد جایگزین بخش دولتی بود که بیش از حد گسترش یافته بود (تیکسریا، ۲۰۰۹). مؤسسات آموزش عالی خصوصی با رشد سریع خود در حال حاضر یک سوم از ثبت نام‌های آموزشی جهان را به خود اختصاص داده‌اند، به طوری که هم اکنون کم‌تر کشوری در جهان باقی مانده است که آموزش عالی خصوصی نداشته باشد (لوی، ۲۰۱۱). در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما نیز برنامه خصوصی‌سازی به عنوان یک سیاست لازم‌الاجرا برای رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی پذیرفته شده است (بند ۵ و ۴ خط مشی‌های اساسی بخش آموزش عالی برنامه دوم توسعه و سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی)؛ اما ارزیابی عملکرد خصوصی‌سازی در کشور حاکی از این است که روندهای مورد انتظار محقق نشده و موفقیت مورد انتظار در زمینه خصوصی‌سازی حاصل نشده است.

پژوهش‌های متعددی از جمله رحیمی (۱۳۹۲) جمشیدی و آراسته (۱۳۹۱)، ربیعی و نظریان (۱۳۹۱) بر وجود چالش‌های عمده‌ای در این بخش نظیر عدم مشارکت دادن آموزش عالی خصوصی در برنامه‌ریزی‌های کلان آموزش عالی، عدم انسجام و هماهنگی در بخش‌های مختلف دولت و وزارت علوم در فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی، تأکید کرده‌اند. با وجود این که دانشگاه‌های خصوصی در معنای کامل آن با تاسی به قوانین بازار و بنگاه‌داری، مشتری‌محوری را -که در این اکوسیستم می‌توان آن را به رضایت دانشجو تعبیر کرد- در زمره اصول مهم تعالی و نیز به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی عملکرد خود محسوب می‌کنند؛ سعادت‌مند (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان



میزان رضایت دانشجویان در مؤسسات آموزش عالی خصوصی گزارش کرد که دانشجویان این مؤسسات از مدیریت آموزش رضایت نسبی دارند و از کیفیت آموزش در این مؤسسات رضایت ندارند. لذا تداوم روندهای نامطلوب توسعه بخش خصوصی، همچنان مانع تحقق نقش کارا و رقابتی آن‌ها در قالب یک الگوی نخبه‌گرای پاسخگو به نیازهای توسعه پایدار است (قارون، ۱۳۹۳)

هم چنین نتایج پژوهش قریشی خوراسگانی (۱۳۹۶) در رابطه با تحلیل محتوای مقالات حوزه خصوصی سازی آموزش عالی در مجلات علمی کشور نشان داد که به‌رغم گسترش بی‌رویه خصوصی سازی در آموزش عالی و اهمیت آن، سهم پژوهش در این حوزه بسیار کم است. از بین آثار مثبت خصوصی سازی به ترتیب مقوله‌های کسب درآمد توسط دانشگاه‌ها، تنوع بخشی به آموزش عالی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و کاهش فشار مالی دولت، رشد کمی آموزش عالی و همچنین جلوگیری از تمرکزگرایی و افزایش مشارکت مردم در امور مختلف، دارای بالاترین ضریب اهمیت و اولویت‌های اول تا سوم بوده است. از بین آثار منفی خصوصی سازی نیز به ترتیب مقوله‌های افزایش دانش آموختگان بیکار، کاهش کیفیت فرآیند آموزش، طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه، رشد کمی مراکز خصوصی آموزش عالی، مدرک گرایی و تقلب و فساد آموزشی به علاوه مشکلات ساختاری در راه‌اندازی دانشگاه‌های خصوصی دارای ضریب اهمیت بالا و اولویت اول تا سوم است.

نیازهای مختلف موجود در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به این معناست که انگیزه‌های مشارکت در خصوصی سازی آموزش با هم تفاوت دارند و شکل خصوصی سازی پذیرفته شده، متناسب با شرایط اقتصادی و جمعیت هر کشور، خاص همان کشور است (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۴) و نیز تحقق اهدافی که در خصوصی سازی آموزش عالی مورد توجه است به چگونگی اجرا و مدیریت علمی و حرفه‌ای آن بستگی دارد. لذا تدوین الگویی که بتواند مسئولان و دست‌اندرکاران این حوزه را هدایت کند، اهمیت زیادی دارد. به‌رغم وجود اسناد و قوانین دستوری در زمینه خصوصی سازی آموزش عالی، خصوصی سازی جریان یافته نیست که با دستورالعمل یا آئین نامه اجرایی محقق شود، چراکه فرآیندی است که تحقق آن مستلزم عینیت یافتن عملی پیش نیازهای محیطی ضروری و مرتبط است، علاوه بر آن دارای مراحل و گام‌های متعدد هدفمند است و جریانی دینامیک و پویاست که درون خود ساختارهای متشکل و نظام‌دار دارد و اهداف متعالی مشخصی را دنبال می‌کند که تبیین و

تشریح آن نیازمند جامع‌نگری و موفقیت آن مستلزم طراحی عوامل و شرایط و پیش نیازها، درون‌دادها و برون‌دادها و فرآیندهای درونی است.

از آنجایی که خصوصی‌سازی در ایران به‌گونه‌ای ناقص، غیرعلمی و غیر هدفمند به اجرا درآمده است و برنامه‌ریزی و ساختاری منسجم برای این پدیده و همگامی با کشورهای موفق در این زمینه در کشور، منظور نشده است، نیاز به تدوین الگویی بومی، منطقی و جامعه‌بدین منظور بیش‌ازپیش احساس می‌شود. تدوین یک الگوی جامع از آنجایی اهمیت دارد که تجربیات کشورهای مختلف نشان می‌دهد اتخاذ تصمیمات مقطعی، جزئی و شتاب‌زده موجبات رکود یا توقف حرکت خصوصی‌سازی را فراهم می‌آورد، کما این‌که در حال حاضر آموزش عالی ما مبتلا به ناهماهنگی بین رشد کمی و کیفی این تحول است (جمشیدی و آراسته، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه از یک‌سو موفقیت در نیل به اهداف خصوصی‌سازی مستلزم جامع‌نگری و تصمیم‌گیری و اقدام بخردانه و عالمانه و همچنین نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق از جانب دولت و سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی کشور است و از سوی دیگر در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور الگویی ارائه نشده، به همین دلیل، در پژوهش حاضر سعی شده تا الگویی جامع دربرگیرنده عناصر و مؤلفه‌های اساسی برای خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور ارائه شود. به بیان دیگر سواد و مسأله پژوهش حاضر این است که ویژگی‌ها و مؤلفه‌های الگوی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران چیست؟

هم‌چنانکه آموزش عالی توسعه می‌یافت، انواع جدید مؤسسات به‌طور اجتناب‌ناپذیر به‌منظور پاسخ دادن به تقاضای زیاد دانشجویان و همچنین فراهم کردن آموزش و تعلیم متنوع برای متقاضیان نامتجانس‌تر، اضافه شدند. به دلیل فشارهای مالی ناشی از این افزایش تقاضا، هم‌چنین توانایی مؤسسات خصوصی برای پاسخ دادن سریع‌تر به تقاضاهای جدید، رشد آموزش عالی خصوصی که دسترسی گسترده‌تر و تنوع را فراهم می‌کرد، به سرعت شتاب گرفت و انواع مختلف برنامه‌های خصوصی‌سازی با توجه به کارایی، برابری، ترویج انسجام اجتماعی و آزادی انتخاب، به‌عنوان یک راه حل بالقوه برای غلبه بر این مشکلات، آزموده و به کار گرفته شدند (یلدیریم^۱، ۲۰۱۴).

در همه کشورهای جهان، دولت‌ها پذیرفته‌اند که خود را از عرصه کارهای اجرایی و

تصدی گری رها کنند و به جایگاه نظارت و سیاست گذاری بازگردند. از این رو بسیاری از حوزه های فعالیت که سال ها حوزه عمل دولت تلقی می شد، به بخش خصوصی واگذار شده است و آموزش عالی بدون تردید از این رشته فعالیت هاست؛ هم اکنون خصوصی سازی از جمله روندهای اصلی رو به رشد آموزش عالی در سطح جهانی به شمار می آید و به سرعت در حال گسترش است به طوری که در کشورهای در حال توسعه ای مانند اندونزی و فیلیپین و توسعه یافته ای مانند ژاپن، کره و انگلیس ثبت نام دانشجویان در مؤسسات آموزش عالی خصوصی بیشتر از ۵۰ درصد است (تام، ۲۰۱۱). موک (۲۰۱۱) نیز روند خصوصی سازی آموزش عالی در آسیا را رو به رشد می داند و اذعان می کند که والدین در ازای آموزش فرزندان خود مشتاق و متعهد به پرداخت هستند، به همین دلیل مدارس و آموزش عالی خصوصی به طرز چشمگیری مرسوم شده است. سهم آموزش عالی وابسته به دولت در ایران نیز نسبت به متوسط کشورهای OECD کم تر و برعکس سهم آموزش عالی خصوصی بیشتر است (ستوده ۱۳۹۵).

با وجود این که مفهوم خصوصی سازی در بخش های صنعتی و خصوصی با شفافیت تعریف شده، اما در بخش آموزش بسیار مبهم و غیر شفاف است؛ وجود شکل ها و حالت های مختلفی که این مفهوم در بخش آموزش به خود می گیرد موجب شده است که به سادگی نتوان آن را تعریف کرد، چرا که خصوصی سازی در این حوزه صرفاً با مالکیت، مسائل مالی و کنترل ارتباط ندارد. تعاریف خصوصی سازی در این حوزه فحوای تقریباً مشابه، با ادبیات و شرایط و زمینه های خاص خودش را دارد.

از نظر آلتباخ^۱ و همکاران (۲۰۰۹)، منظور از خصوصی سازی ضرورت کسب درآمد توسط مؤسسات و نظام ها در ازای بخشی از فعالیتشان است. خصوصی سازی می تواند شامل شهریه های بالاتر و دیگر هزینه های دریافتی از دانشجویان باشد که به این صورت بخشی از هزینه های آموزش با دانشجویان تسهیم می شود. این پدیده هم چنین می تواند به معنای کسب اعتبارات از طریق مشاوره، صدور مجوز، فروش دارایی های فکری، همکاری های دانشگاه و صنعت، اجاره دادن دارایی های دانشگاه باشد. خصوصی سازی به دلیل مشکلات بودجه ای ناشی از همگانی سازی، با کاهش سرمایه گذاری عمومی و دولتی مواجه است و علاوه بر آن، به دنبال مشروعیت یافتن بحث های مربوط به کالای خصوصی برای آموزش عالی، این پدیده به یک ضرورت در بسیاری از مؤسسات و نظام ها

تبدیل شده است. برخی از منتقدان بر این باورند که فشار ناشی از تأکید بیشتر بر فعالیت‌های درآمدزا به ایجاد مشکلات کلی در شکل‌های سنتی آموزش عالی و تأثیر منفی بر آموزش و پژوهش منجر خواهد شد. این خصیصه انتفاعی بودن و سودجویی ممکن است به پویایی منجر شود، ولی هرچه به تجاری شدن نزدیک شود، نقش دولت در کنترل کیفی آن حیاتی‌تر و لازم است (قارون، ۱۳۹۳).
 بروس جانستون (۲۰۰۲)، ابعاد مختلف سیستم دانشگاهی را در پیوستار دانشگاه کاملاً خصوصی تا کاملاً دولتی به این صورت بیان می‌کند:

ابعاد	بسیار عمومی پیوستار خصوصی بودن	بسیار خصوصی
مأموریت یا هدف	یک مأموریت واضح عمومی را که دانشگاه یا ایالت تعیین کرده است، به کار می‌برد.	مأموریت عمدتاً در خدمت منافع خصوصی دانشجویان، مشتریان و مالکان است.
مالکیت	مالکیت عمومی: می‌تواند توسط ایالت تغییر داده شود یا بسته شود.	خصوصی غیرانتفاعی: پاسخگویی عمومی شفاف
منبع درآمد	تمام مالیات‌دهنده‌ها یا درآمدهای عمومی	عمدتاً خصوصی، اما با کمک‌های عمومی به دانشجویان نیازمند
کنترل توسط دولت	کنترل ایالتی بالا همانند سازمان‌ها یا وزارتخانه‌ها	درجه بالایی از خودمختاری، کنترل محدود به نظارت
هنجارهای مدیریت	هنجارهای دانشگاهی، حکمرانی اشتراکی، antiauthoritarianism	توجه محدود به هنجارهای دانشگاهی، کنترل مدیریت بالا

با توجه به این‌که تأمین منابع مالی آموزش عالی به یک بحران تبدیل شده، لانگ و همکاران (۲۰۱۲) طرح‌هایی برای افزایش سرمایه‌گذاری به منظور تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها مطرح شده تا مشوقی برای توسعه دوره‌های آموزشی مناسب و گسترش اعتبار دانشگاه‌ها باشد و استقلال و

پاسخگویی دانشگاه‌ها در زمینه اجرای این طرح‌ها اهمیت بسیاری دارد. دانشگاه‌ها برای تنوع بخشی به منابع درآمد خود، شرایط مناسبی را برای افزایش مشارکت شرکت‌ها در تأمین مالی آموزش عالی فراهم آورده‌اند و خلاقیت و سازگاری آموزش عالی در این زمینه باعث تغییرات چشم‌گیری در آینده آموزش عالی می‌شود. هونگ (۲۰۱۸) گزارش می‌دهد که در ویتنام مؤسسات خصوصی جذب‌کننده تقاضا با افزایش دسترسی به آموزش عالی فضای رقابتی‌ای در ارتباط با مؤسسات دولتی به وجود آورده‌اند و از طرف دیگر خصوصی سازی در دانشگاه‌های دولتی به صورت مواردی چون دوره‌های نیمه حضوری و شهریه‌ای برون‌سپاری در حال بروز است. گرچه خصوصی سازی، باعث افزایش دسترسی به آموزش عالی شده و آن را به یک تجارت پرسود برای صنعتگران تبدیل کرده است، اما گاهاً باعث افزایش هزینه‌ها برای متقاضیان آموزش عالی و کیفیت پایین آموزش نیز شده است (میرزا، ۲۰۲۰). هم چنین یلدیریم (۲۰۱۴) در مطالعه خود تحت عنوان تأثیرات خصوصی سازی روی کیفیت و برابری آموزش در ترکیه، که به صورت موردی و از طریق مشاهده و مصاحبه انجام شده بوده، گزارش می‌دهد که خصوصی سازی تغییر مدیریت، تعهدات و ارزیابی‌ها از مؤسسه‌های دولتی به سازمان‌های خصوصی است. آموزش نه تنها یک کالای خصوصی است، بلکه نتایج عمومی دارد؛ اما منابع محدود دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه رسیدن به این هدف را مانع می‌شود. در این فرایند، جهانی سازی، یک یک دولت‌ها را وادار به سازماندهی مجدد سیاست‌های خود و اصلاح مدیریت خود از طریق خصوصی سازی به عنوان یک راه حل، می‌کند. اجرای خصوصی سازی معمولاً با استقلال بیشتر مدیران رده‌های مختلف در تصمیم‌گیری همراه است و تمایل به تمرکززدایی در فرآیند تصمیم‌گیری‌هایی مربوط به تدریس، پژوهش، ارزشیابی، تعیین اولویت‌های پژوهشی، استخدام و کشف فرصت‌های جدید از طریق کارآفرینی وجود دارد (بالباچفسکی و شوارتزمن، ۲۰۱۱). فرصت‌های جدیدی که در مالزی با فراهم کردن آموزش عالی برای دانشجویان بین‌المللی به ویژه از کشورهای در حال توسعه، از طریق جریان‌های برون مرزی یا دعوت از دانشگاه‌های خارجی به منظور تأسیس شعبه در مالزی به وجود آمده است (تام، ۲۰۱۱)

مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در حوزه خصوصی سازی آموزش عالی در ایران، تقاضاهای فزاینده برای آموزش عالی، ناتوانی یا ضعف تمایل دولت در پاسخگویی به تقاضاهای فزاینده برای آموزش عالی، تأکید بر رشد خصوصی سازی آموزش عالی در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان توسعه کشور و کاهش تصدی‌گری دولت و لزوم رشد و توسعه آموزش عالی و اصلاحات ساختاری در

این بخش شناسایی شده است (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳). هم چنین در پژوهش اسماعیل لو (۱۳۹۲) ۵۲ پیامد و اثر اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و پرورشی خصوصی سازی آموزش عالی را از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیر-دولتی شهر ارومیه شناسایی شده که در این میان مواردی چون افزایش نابرابری‌های اجتماعی و به دنبال آن طبقاتی شدن آموزش و نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی، تفوق انگیزه‌های سودجویانه در بخش خصوصی، تغییر در سلسله مراتب اجتماعی به نفع طبقات بالای جامعه، افت وضعیت علمی و کاهش پژوهش‌های علمی در رتبه‌های نخست قرار داشته‌اند. نتایج بررسی صالحی و همکاران (۱۳۹۱) ویژگی‌های زیر را در روند خصوصی سازی آموزش عالی در ایران نشان داده است: بدون حضور بخش خصوصی واقعی در کنار نقش گسترده بخش دولتی و شبه دولتی در آن، بدون رقابت، بدون آزادسازی بازار، بدون چارچوب‌های نظارت و ارزیابی کیفیت، بدون حضور مؤسسات خارجی، بدون حمایت‌های مالی و قانونی از بخش خصوصی واقعی، بدون مبانی نظری و نیز استفاده از خصوصی سازی به عنوان ابزار گسترش آموزش عالی تنها در جهت پاسخگویی به فشارهای ناشی از تقاضای اجتماعی ورود به آموزش عالی.

اکثر مطالعات انجام شده خارجی معطوف به جریان خصوصی سازی در کشور نویسنده بوده و نشان دهنده این مهم است که هر کشور بر اساس آمایش وضعیت جغرافیای اقتصادی این کشور، با استفاده از مبانی نظری و تجارب موجود جهانی، ولی نه بر اساس الگوهای وارداتی و تجویزی از خارج، الگوی بومی از خصوصی سازی را می‌تواند به سرانجام برساند. با وجود تعدد مطالعات انجام شده داخلی نیز در این حوزه در سال‌های اخیر، تقریباً اکثر آن‌ها از زاویه دید ویژه‌ای به این حوزه توجه کرده‌اند و بیشتر شامل شناسایی چالش‌ها، راهکارها، آسیب‌شناسی، یا معطوف به منطقه جغرافیایی خاص و با رویکرد تحلیلی منحصراً کمی یا کیفی بوده است. و در تکمیل این مطالعات، وجود پژوهشی با رویکرد تلفیقی کمی و کیفی و به روش نظریه داده بنیاد که در جهت شناسایی ابعاد و مقوله‌های اصلی و فرعی، و در واقع با دیدی کلی و جامع، مطلوب به نظر می‌رسد. این پژوهش با هدف کلی شناسایی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خصوصی سازی آموزش عالی و طراحی الگوی مناسب آن در ایران اجرا شده است. بر این اساس، سؤال‌های اصلی این پژوهش عبارت بود از:

چه مؤلفه‌ها و مقوله‌هایی در خصوصی سازی آموزش عالی نقش دارند؟

الگوی مطلوب خصوصی سازی آموزش عالی در ایران چیست؟



روش

پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته گردآوری شده است. سؤالات مصاحبه و روایی آن‌ها بر اساس نظر متخصصان تأیید شد. جامعه آماری این پژوهش آن دسته از صاحب‌نظران و خبرگان آموزش عالی است که در حیطه آموزش عالی و خصوصی‌سازی و اقتصاد آموزش عالی مطلع بوده و می‌توانند اطلاعات ارزشمندی در اختیار محقق قرار دهند. در این مطالعه، نمونه‌گیری زنجیره‌ای (گلوله برفی) به کار گرفته شد که یکی از انواع نمونه‌گیری هدفمند است. در این راستا نمونه‌های این پژوهش را ۱۶ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی تشکیل داده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد (استراس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱).

در ابتدا با تفکیک متون مصاحبه‌ها به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز (مفاهیم) استخراج شوند. یعنی در ابتدا داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها گردآوری و در قالب گزاره‌های مفهومی فهرست‌بندی شد. همچنین برای دستیابی به اطمینان نسبت به پایایی ابزار، هر یک از این گزاره‌های مفهومی با استفاده از کدهای حرفی و رقمی کدگذاری شد. به این صورت که به مصاحبه‌شوندگان کد حرفی (الف، ب، ج و...) اختصاص داده شد (که در این مقاله با کد عددی ذکر شده‌اند) و سپس به خرده مقولات مستخرج از داده‌های مصاحبه هر یک از صاحب‌نظران فوق کد عددی اختصاص داده شد. ترتیب کدها به این صورت مشخص شد که در مرحله بعد آن مفاهیم را در قالب مقوله‌های بزرگ‌تری قرار داده و سعی شد تا مقولات در دسته‌بندی بزرگ مفهومی طبقه‌بندی شوند. در مرحله دوم که کدگذاری محوری است، ابتدا پدیده محوری تعیین و سپس سایر مقوله‌ها در قالب پنج خوشه بزرگ موجبات علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها دسته‌بندی شدند. در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی روابط بین مقولات آشکار و مدل پارادایمی نظریه برخاسته از داده‌ها فراهم آمد. به عبارتی همه داده‌ها در یک سامانه نظری تألیف شد.

در اجرای مصاحبه‌ها سعی شد تا زمان دستیابی به همگونی نتایج روند جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه ادامه یابد. چرا که بخشی از اعتبار مصاحبه بستگی به این دارد که خبرگان و صاحب‌نظران درباره آنچه که از آن‌ها پرسیده می‌شود توافق داشته باشند؛ لذا پژوهش‌گر

مصاحبه را تا جایی ادامه داد که در تدوین معیارها به همگونی نظرات پاسخ‌دهندگان در روند مصاحبه دست یافت و روایی یافته‌ها با دریافت نظر متخصصان و کارشناسان آموزش عالی و شرکت‌کنندگان در پژوهش درباره‌ی درستی یافته‌ها و تفسیرها تأیید شد. برخی از مشارکت‌کنندگان گزارش نهایی مرحله‌ی نخست، فرآیند تحلیل یا مقوله‌های به دست آمده را بازبینی کرده و نظر خود را در ارتباط با آن‌ها ابراز داشتند (تطبیق توسط اعضا)، به طور همزمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد (مشارکتی بودن) و تا حد امکان تلاش شد، سوگیری و پیش‌داوری پژوهشگر کنترل شود (بازاندیشی پژوهشگر). همچنین برای دستیابی به پایایی داده‌های کیفی و حصول اطمینان از دقیق بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر، به بررسی شیوه‌ی کدگذاری با استفاده از بررسی همکار پرداخته شد و با همکاری اساتید راهنما و مشاور و برخی از دانشجویان دکتری آموزش عالی کلیه‌ی فرآیند کدگذاری اطلاعات بررسی و از نظرات ایشان نسبت به مقوله‌بندی اطلاعات و صحت آن بهره‌مند شد که در نهایت اعتبار درونی پژوهش از طریق بررسی همکار نیز تأیید شد و در نهایت مدل کیفی پژوهش بیان شده است. برای پاسخ به سؤال پژوهش، داده‌های گردآوری شده به صورت کدگذاری باز تجزیه و تحلیل شدند و داده‌ها بر اساس شباهت‌ها و اشتراکات و افتراقات مفهومی، تقلیل و دسته‌بندی شد. در ادامه با استفاده از کدگذاری انتخابی که مرحله‌ی نهایی کدگذاری در نظریه‌ی داده‌بنیاد تلقی می‌شود، الگوی مفهومی نهایی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران طراحی شد. در این مرحله پژوهشگر بر اساس درک خود از پدیده‌ی مطالعه شده و بر مبنای کدگذاری محوری و ارائه روابط بین مقوله‌های موجود و همچنین الهام از ادبیات نظری موجود در کنار بررسی مجدد مصاحبه‌ها و کدگذاری‌ها، الگوی نهایی را ترسیم کرده است. هم‌چنین با نظر ۵ تن از اساتید دانشگاه، الگوی مورد نظر تأیید شد.

یافته‌ها

در این پژوهش پس از کدگذاری و تقلیل و دسته‌بندی داده‌ها بر اساس شباهت‌ها و اشتراکات و افتراقات مفهومی، ۱۳ مقوله اصلی و ۳۶ مقوله فرعی استخراج شد. سپس یافته‌های پژوهش در قالب ابعاد الگوی کدگذاری محوری شامل عوامل علی (نیازهای زمانی، پایگاه قانونی اقتصادی)؛ زمینه‌ای (زمینه‌گرایی فرهنگی، زمینه‌گرایی سیاسی، زمینه‌گرایی قانونی)؛ مداخله‌گر

(محور علمی، سیاست گذاری)؛ راهبردها (حمایتی و مالی، ارتباطات، اقدامات اصلاحی) و پیامدها (پیامدهای کلان، پیامدهای دانشگاهی و فردی) ارائه شد. در جدول زیر مفاهیم و مقوله های احصا شده از مصاحبه ها ذکر شده اند.

جدول ۱: مقولات علی الگوی خصوصی سازی آموزش عالی

مقوله اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم و ویژگی ها
نیازهای زمانی	جریانان فکری و اجتماعی	هم نوایی با تفکرات ضد سوسیالیستی جهانی هم نوایی با جریان روز حرکت به سوی اقتصاد باز و بازار آزاد سوطن نسبت به اعزام بورسیه و فارغ التحصیلان دانشگاه های خارجی
	تنگناهای بودجه ای	کمبود بودجه برای پاسخگویی به تقاضای بالای آموزش عالی وجود هزینه های جنگ و بازسازی در دهه های قبل وجود کنکور به عنوان سدی که از آن باید گذشت
عوامل مربوط به کنکور	انگیزه های فردی	آمار کاذب افراد موجود در صف کنکور و ورود به آموزش عالی انحراف آموزش و پرورش از آموزش عمومی به آموزش تست زنی و جست و جوی این آموزش ها در آموزش عالی سرمایه گذاری فردی برای دستیابی به درآمد و شأن بیشتر میل به پیشرفت فردی میل به ادامه تحصیل
	اسناد بالادستی	کسب منفعت اجتماعی و ارتقاء منزلت اجتماعی کنونی کسب منافع سازمانی و مادی برنامه های توسعه مبنی بر گسترش و توسعه آموزش عالی وجود قوانین تحصیلات رایگان قبل کنکور و نه بعد از آن اصل ۳۳ قانون اساسی
پایگاه قانونی اقتصادی	پتانسیل بخش خصوصی	منابع انسانی و تجربه فراوان سرمایه نامحدود
	پیش نیازهای اقتصادی	رشد و شکوفایی اقتصادی به منظور رشد آموزش عالی باز شدن اقتصاد و تعامل جهانی امنیت سرمایه گذاری ورود سرمایه گذار خارجی انگیزه سرمایه گذار داخلی مهاجرت معکوس نوابغ

موجبات علی شامل عواملی است که به طور مستقیم به خصوصی سازی آموزش عالی مربوط می شود. طبق نتایج به دست آمده از تحلیل مصاحبه ها، عواملی که باعث

خصوصی سازی آموزش عالی می‌شوند عبارت هستند از نیازهای زمانی و پایگاه قانونی اقتصادی. مقوله نیازهای زمانی از کدهای بازی چون جریان‌ات فکری و اجتماعی، تنگناهای بودجه‌ای، عوامل مربوط به کنکور و انگیزه‌های فردی احصا شده است. و مقوله پایگاه قانونی شامل اسناد بالادستی، پتانسیل بخش خصوصی و پیش نیازهای اقتصادی است.

جدول ۲: مقولات زمینه‌ای الگوی خصوصی سازی آموزش عالی

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم و ویژگی‌ها
زمینه‌گرایی فرهنگی	انتظارات	همواره انتظار داشتن از دولت وجود نگاه جامعه‌گرا و سوسیالیست در جامعه فشار افکار عمومی و رسانه‌ها خدشه‌دار شدن عدالت آموزشی مدرک‌گرایی
	جریان‌ات غالب اجتماعی	عقدۀ کمبود مدرک تفکر غالب پشت میز نشینی اصطلاحات و آمارهای انحرافی (صندلی خالی، پشت کنکوری)
زمینه‌گرایی سیاسی		فشارهای سیاسی و اجتماعی برای تأسیس واحدهای دانشگاهی رقابت‌های جناحی بر سر جذب دانشجوی بیشتر تأسیس‌های با رابطه و به تبع بهره‌مندی از امکانات با رابطه
زمینه‌گرایی قانونی	جایگاه بخش خصوصی	روشن شدن مرزها و تعاریف در حوزه خصوصی سازی تعیین تکلیف و تعیین جایگاه بخش خصوصی در آموزش عالی شفافیت شرایط و قوانین تأسیس در دانشگاه‌های خصوصی مسیر و ارتباط سالم در انتقال از دولتی به خصوصی وجود سه بخش عمومی، خصوصی و حاکمیتی و ارتباط ناسالم این سه بخش تسهیل در تأسیس، تسهیل در انحلال (تأسیس سخت، انحلال سخت) مشکل قانونی در هنگام انحلال (واگذاری دارایی‌ها) صدور بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها با در نظر گرفتن زمینه خاص غیردولتی‌ها
	آیین‌نامه‌ها	تدوین بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها با تعامل با نمایندگان دانشگاهی آیین‌نامه‌های مربوط به ارتقاء هیئت علمی بازنگری در ضوابط جاری وزارت علوم (اداره بخش خصوصی با آیین‌نامه‌های مربوط به خود)



پیشبرد راهبردهای خصوصی سازی آموزش عالی متأثر از بستری هست که در آن به وقوع می‌پیوندد. با توجه به تحلیل مصاحبه‌ها، عوامل زمینه‌ای شامل سه مقوله اصلی: زمینه گرایي فرهنگی؛ زمینه گرایي سیاسی؛ و زمینه گرایي قانونی نقد می‌شود. زمینه گرایي فرهنگی شامل انتظارات و جریانات غالب اجتماعی و زمینه گرایي قانونی شامل جایگاه بخش خصوصی و دستورالعمل‌ها و آیین نامه‌ها است.

جدول ۳: مقولات مداخله‌گر الگوی خصوصی سازی آموزش عالی

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم و ویژگی‌ها		
مقوله علمی	استاد	حمایت مالی از اساتید		
		حمایت روحی و روانی از اساتید		
		استفاده از اساتید مرتبط و متخصص		
		ارتباط حقوق و مزایای اساتید با فعالیت‌های علمی		
		حمایت از بورسیه شدن اساتید دانشگاه‌های غیردولتی برای بهبود		
		هرم هیئت علمی		
		آموزش‌های به روز		
		تناسب محتوا با نیازهای روز		
		توجه به کیفیت آموزش		
		نظارت بر محتوا و مواد آموزشی و تعداد جلسات و ..		
آموزش	آموزش	توانمندسازی برای راه‌اندازی کسب و کار		
		ایجاد رقابت بین دانشجویان دولتی و خصوصی		
		پررنگ شدن بخش مهارتی آموزش‌ها در کنار بخش تئوری		
		گزینش غیرمتمرکز دانشجویان		
		کیفیت دانشجویان		
		سیاست‌گذاری بر مبنای اسناد بالادستی		
		توجه به آمایش و نیازهای سرزمینی		
		سیاست‌گذاری با توجه به واقعیات و نه به صورت آرمان‌گرایانه		
		پالایش و بازبینی سیاست‌ها با توجه به نتایج		
		استفاده از تجارب کشورهای موفق در خصوصی سازی به صورت		
سیاست‌گذاری (پیش‌زمینه)	بدون‌تأسیس	معنادار و بومی شده		
		اداره و گسترش آموزش عالی بر اساس علوم مرتبط این حوزه		
		شفاف‌سازی اهداف و فرآیند خصوصی سازی آموزش عالی		
		ایجاد شرایط برابر جهت رقابت دانشگاه‌ها در جهت انتفاع اجتماعی		
		توجه به بالابردن دسترسی به آموزش با در نظر گرفتن کیفیت مناسب		
		پررنگ شدن فعالیت برای استقرار عدالت آموزشی		
		توجه به تقاضای اجتماعی با توجه تقاضای اقتصادی		
		توجه به پیچیدگی‌های دانشگاهی در واکنش به سیاست‌ها		
		جنبه‌های اصلاحی	دانشجو	معادار و بومی شده
				اداره و گسترش آموزش عالی بر اساس علوم مرتبط این حوزه
شفاف‌سازی اهداف و فرآیند خصوصی سازی آموزش عالی				
ایجاد شرایط برابر جهت رقابت دانشگاه‌ها در جهت انتفاع اجتماعی				
توجه به بالابردن دسترسی به آموزش با در نظر گرفتن کیفیت مناسب				
پررنگ شدن فعالیت برای استقرار عدالت آموزشی				
توجه به تقاضای اجتماعی با توجه تقاضای اقتصادی				
توجه به پیچیدگی‌های دانشگاهی در واکنش به سیاست‌ها				
سیاست‌گذاری (پیش‌زمینه)	بدون‌تأسیس			معادار و بومی شده
				اداره و گسترش آموزش عالی بر اساس علوم مرتبط این حوزه
		شفاف‌سازی اهداف و فرآیند خصوصی سازی آموزش عالی		
		ایجاد شرایط برابر جهت رقابت دانشگاه‌ها در جهت انتفاع اجتماعی		
		توجه به بالابردن دسترسی به آموزش با در نظر گرفتن کیفیت مناسب		
		پررنگ شدن فعالیت برای استقرار عدالت آموزشی		
		توجه به تقاضای اجتماعی با توجه تقاضای اقتصادی		
		توجه به پیچیدگی‌های دانشگاهی در واکنش به سیاست‌ها		

شرایط مداخله‌گر، شرایط کلی و وسیع‌تری هستند که بر چگونگی کنش متقابل و راهبردهای خصوصی‌سازی آموزش عالی اثر می‌گذارند. با توجه به نتایج کدگذاری، شرایط مداخله‌گر به عنوان بستری عام شامل مقولاتی اصلی همچون محور علمی؛ و سیاستگذاری می‌شود. در بخش محور علمی مقولات فرعی شامل استاد، آموزش و دانشجو و در بخش سیاست‌گذاری شامل بدو تأسیس (پیش زمینه) و جنبه‌های اصلاحی می‌شود.

جدول ۴: مقوله محوری الگوی خصوصی‌سازی آموزش عالی

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم و ویژگی‌ها
مقوله اصلی خصوصی‌سازی آموزش عالی	استقلال و آزادی دانشگاهی نظارت	تصمیم‌گیری توسط بیکره دانشگاه
		آزادی عمل در تعیین مواد و برنامه درسی
		آزادی عمل در جذب اساتید و دانشجو
		انعطاف و اعطای اختیارات در تعیین شهریه به دانشگاه‌ها
		عدم مداخله دولت (کاهش تصدی‌گری افزایش نظارت)
		تدوین آیین‌نامه‌های نظارتی بدون کنترل‌گری و تصدی‌گری
		پالایش و به روزرسانی مداوم آیین‌نامه‌های نظارتی با توجه به نیازهای زمانی
		استانداردسازی گزارش‌های پیشرفت کار
		انطباق عمل و هدف
		اجرای قوانین یکسان و برخورد عادلانه بین دانشگاه آزاد و سایر غیردولتی‌ها

در خصوص دستیابی و اکتشاف مقوله محوری، که محور شکل‌گیری مدل پارادایمی بوده و ساماندهی سایر عناصر در ارتباط با آن انجام می‌شود، به عبارتی محور اصلی در طراحی خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور ایران، خصوصی‌سازی آموزش عالی است و در طی فرایند مصاحبه با صاحب‌نظران و خبرگان آموزش عالی و تحلیل نظرات و تجارب ایشان پس از هر مصاحبه، کم‌کم مفاهیم در این خصوص انباشته شد. این مقوله کلی از دو مقوله فرعی استقلال و آزادی دانشگاهی و نظارت تشکیل شده است.

جدول ۵: راهبردهای الگوی خصوصی سازی آموزش عالی

مقوله اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم و ویژگی ها
حمایتی و مالی	فرآیند حمایت ها	استقرار حمایت مالی بدو تأسیس
		حمایت های مالی مرتبط با عملکرد
ارتباطات		تخصیص بودجه پژوهش به بخش غیردولتی
		تبلیغ و فرهنگ سازی برای وقف در تأمین هزینه های آموزش عالی
	انواع حمایت	تبلیغ و فرهنگ سازی کمک های مالی توسط خیرین
	خصوصی	معافیت مالیاتی
		وام کم بهره
		معافیت عوارض شهرداری
		تسهیلات اخذ پروانه ساختمانی
	شفافیت در هزینه کرد	لزوم تدارک صورت های مالی جامع
		انتشار عمومی گزارش ها
		ایجاد تقاضا برای دانش جدید و آموزش عالی از طرف صنعت
اقدامات اصلاحی	ارتباط با صنعت	غیرانحصاری و غیردولتی شدن صنایع
		انتصاب های دولتی در صنعت و وضعیت ارتباط تخصص و زمینه
	روابط بین الملل	توسعه روابط با دانشگاه های خارجی و استفاده از تجربیات آنها
		تبادل دانشجو و استاد
		فراهم کردن زمینه جذب دانشجوی خارجی
	علمی و دانشگاهی	سطح بندی رسمی دانشگاه ها، رشته ها و مدارک
		تأثیر این سطوح در سیستم حقوق و مزایای ارگان های دولتی و غیردولتی
		تمایل و اراده دانشگاه برای بهبود کیفیت
	بازگشت کارکردی	بازگشت دانشگاه علمی کاربردی به رسالت خود (آموزش مهارتی)
		بازگشت دانشگاه پیام نور به رسالت خود (آموزش های عالی غیرحضوری و عمومی)
اصلاح سیاست ها	ساماندهی	ساماندهی رشته ها
		ساماندهی و ادغام مراکز دانشگاهی
		تبدیل مراکز به قطب های دانشگاهی
		تشکیل سازمان مراکز آموزش عالی غیردولتی در وزارت علوم
		تدوین سیاست ها و برنامه های حمایت کننده
		اراده واقعی برای تغییر و بهبود
		نگاه واقع بینانه و جامع به کلیات و جزئیات خصوصی سازی آموزش عالی
		توسعه متوازن و هدف مند آموزش عالی بر اساس آمایش سرزمین
		فراهم کردن زمینه برگزاری دوره های مجازی

راهبردها، به ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با خصوصی سازی آموزش عالی اشاره دارد. بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه، راهبردهای خصوصی سازی آموزش عالی در سه مقوله اصلی حمایتی و مالی؛ ارتباطات؛ و اقدامات اصلاحی ارائه شد. راهبردهای حمایتی و مالی از کدهای بازی چون فرآیند حمایت‌ها، انواع حمایت خصوصی و شفافیت در هزینه کرد؛ راهبردهای ارتباطی از ارتباط با صنعت و روابط بین‌الملل؛ و اقدامات اصلاحی از کدهای علمی و دانشگاهی، بازگشت کارکردی، ساماندهی و اصلاح سیاست‌ها احصا شده است.

جدول ۶: پیامدهای الگوی خصوصی سازی آموزش عالی

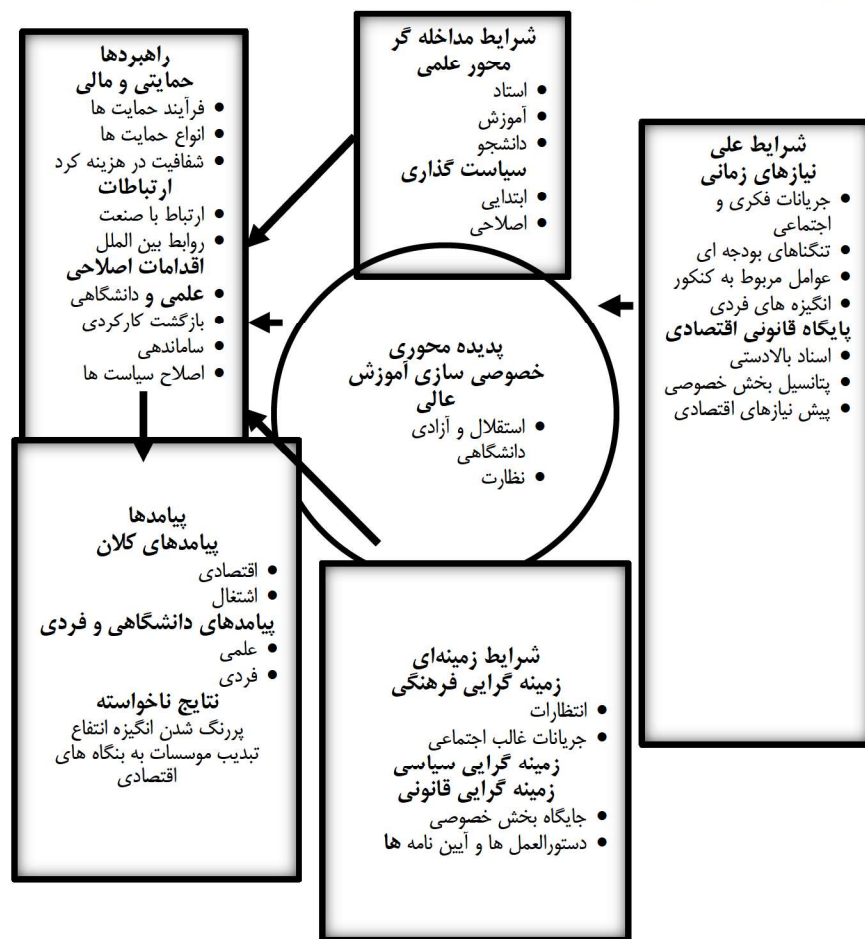
مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم و ویژگی‌ها
پیامدهای کلان	اقتصادی	کارآمدی در استفاده از منابع (اتلاف منابع)
		گسترش اقتصاد دانش بنیان
		کوچک سازی دولت و چابک سازی بخش خصوصی
		کاهش وابستگی به بودجه‌های دولتی و استفاده بهینه از منابع
		افزایش اشتغال (بیکاری مضاعف)
پیامدهای دانشگاهی و فردی	اشتغال	افزایش نیروی انسانی تحصیل کرده
		توانایی هلدینگ‌ها برای جذب و آموزش نیروی انسانی مورد نیاز
		ارتقاء جایگاه و شأن و منزلت دانشگاه‌های غیردولتی
		رساله‌ها و پایان نامه‌های باکیفیت (سرقت علمی و کیفیت پایین رساله‌ها و پایان نامه‌ها)
		استقرار فضیلت علم به جای کم شدن ارزش علم
نتایج ناخواسته	فردی	انطباق اهداف و مأموریت‌ها با اعمال و واقعیت‌ها
		هزینه فرصت معقول
		دسترسی به آموزش با کیفیت و با صرفه
		تبدیل مؤسسات به بنگاه‌های اقتصادی
		پررنگ شدن انگیزه انتفاع

خصوصی سازی آموزش عالی تحت تأثیر موجبات علمی، راهبردها، عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر، پیامدهای مختلفی را به دنبال دارد. طبق مصاحبه‌های انجام شده، پیامد خصوصی سازی آموزش عالی کشور در مقوله‌های اصلی پیامدهای کلان، پیامدهای دانشگاهی و فردی و نتایج ناخواسته سازماندهی شد. که از کدهای پیامدهای کلان اقتصادی و اجتماعی،



پیامدهای علمی و فردی احصا شده‌اند.

در ادامه با استفاده از کدگذاری انتخابی که مرحله نهایی کدگذاری در نظریه داده بنیاد تلقی می‌شود، الگوی مفهومی نهایی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران طراحی شد. در این مرحله پژوهشگر بر اساس درک خود از پدیده مطالعه شده و بر مبنای کدگذاری محوری و ارائه روابط بین مقوله‌های موجود و همچنین الهام از ادبیات نظری موجود در کنار بررسی مجدد مصاحبه‌ها و کدگذاری‌ها، الگوی نهایی را ترسیم کرده است. هم چنین با نظر ۵ تن از اساتید دانشگاه، الگوی مورد نظر تأیید شد.



شکل ۲: الگوی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران بر اساس کدگذاری انتخابی

بحث و نتیجه‌گیری

اکثر مصاحبه‌شوندگان هم سو با ربیعی و نظریان (۱۳۹۰) بر این موضوع صحه گذاشته‌اند که در بحث خصوصی‌سازی آموزش عالی نیازمند استقلال و آزادی دانشگاهی از یک سو و وجود نظارت بر آن بدون مداخله خرابکارانه هستیم. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان استقلال محیط‌های دانشگاهی، دلالت بر رهایی مراکز آموزش عالی از قید و بندهای دولتی و آزادی عمل این مراکز در اداره امور داخلی خود از جمله تأمین منابع مالی و انسانی بدون وابستگی به دولت، تصمیم‌گیری توسط پیکره دانشگاه، آزادی عمل در تعیین مواد و برنامه درسی، آزادی عمل در جذب اساتید و دانشجو، انعطاف و اعطای اختیارات در تعیین شهریه به دانشگاه‌ها دارد. آن‌ها از جنبه دیگر به وجود ساز و کارهای نظارتی به عنوان کفه دیگر ترازوی حرکت مطلوب خصوصی‌سازی آموزش عالی اشاره کرده‌اند که با پژوهش صالحی و همکاران (۱۳۹۱) همسویی دارد. از این نظر نیازمند این هستیم که آیین‌نامه‌های نظارتی بدون خط و مشی‌دهی و کنترل‌گری و همچنین به روزرسانی مداوم این آیین‌نامه‌ها با توجه به نیازهای زمانی در دستور کار قرار داشته باشد. هم چنین مصاحبه‌شوندگان بر برخورد عادلانه وزارت آموزش عالی و سایر نهادهای متولی و دست‌اندرکار، بین دانشگاه آزاد و سایر مراکز غیردولتی را نکته مهمی می‌دانستند که در گیر و گرفت سیستم متمرکز تصمیم‌گیری ایران مجال ظهور و بروز پیدا نمی‌کند.

هم نوایی با تفکرات ضد سوسیالیستی جهانی و هم نوایی با جریان روز حرکت به سوی اقتصاد باز و بازار آزاد از دیگر مواردی است که مصاحبه‌شوندگان به عنوان نیازهای زمانی مطرح کرده‌اند. تنگناهای بودجه‌ای به تبع مواجهه با سیل متقاضیان آموزش عالی در بحبوحه جنگ تحمیلی فضا را برای فعالیت بخش خصوصی در آموزش عالی مهیا کرده و البته وجود کنکور به عنوان سدی که حتماً باید از آن گذشت عده زیادی را بدون هدف در این صف قرار داده است. هم چنین نقش انگیزه‌های فردی مانند سرمایه‌گذاری شخصی برای دستیابی به درآمد بیشتر، منفعت اجتماعی، کسب منافع سازمانی و شغلی، میل به پیشرفت فردی و ادامه تحصیل در این بین، از نظر دور نمانده است. پژوهش لوی^۱ (۲۰۱۰)، یل‌دیریم (۲۰۱۴) و

آراسته و جمشیدی (۱۳۹۳) هم سو با نتایج پژوهش، از تنگناهای بودجه‌ای و نیاز به پاسخگویی تقاضای در حال رشد گروه‌های واجد شرایط سنی به عنوان عوامل مشوق خصوصی سازی آموزش عالی نام برده‌اند.

وجود پایگاه قانونی و اقتصادی از نظر مصاحبه‌شوندگان مؤلفه مهمی در وقوع و گسترش خصوصی سازی آموزش عالی محسوب می‌شود، اسناد بالادستی و قوانینی که از یک سو وظیفه ایجاد تحصیلات رایگان را تنها تا قبل کنکور به عهده دولت گذاشته و از سوی دیگر برنامه‌های توسعه‌ای که بر گسترش و توسعه آموزش عالی با استفاده از امکانات غیردولتی و خصوصی صحه می‌گذارد. مصاحبه‌شوندگان به پتانسیل بخش خصوصی در برداشتن این بار از روی دوش دولت با استفاده از منابع انسانی و تجربه و سرمایه فراوان و بعضاً نامحدود اشاره می‌کنند و البته، نقش پیش نیازهای اقتصادی اعم از باز شدن و غیرانحصاری شدن اقتصاد، امنیت سرمایه‌گذاری، ورود سرمایه‌گذار خارجی و مهاجرت معکوس نوایغ را در این راه مهم می‌دانند که با پژوهش صالحی و همکاران (۱۳۹۱) اشتراک دارد.

انتظارات و نگاه ایدئولوژیک موجود در جامعه بر روند و مسیر خصوصی سازی مؤثر است. از نظر مصاحبه‌شوندگان در ایران به دلیل سابقه فرهنگی، همواره انتظار داشتن از دولت نگرشی است که در ناخودآگاه قاطبه مردم ایران وجود دارند و منتظر هستند همه اتفاقات از ناحیه دولت باشد، از شروع، فرآیند و تا پایان و اعتماد به فعالیت‌هایی بیشتر است که دولت در آن‌ها نقش پررنگ‌تر دارد؛ چنین نگاه ایدئولوژیک جامعه گرایی موجود در جامعه بر روند و مسیر خصوصی سازی مؤثر است. نگاهی که مالکیت یا نظرات کل اجتماع بر ابزار تولید - سرمایه، زمین، دارایی و غیره - و اداره آن‌ها در جهت تأمین منافع همگانی را هدف خود قرار می‌دهد و از آن حمایت می‌کند و خواهان جامعه‌ای که همه اعضا را زیربال حمایت خود بگیرد و برای ریشه کن ساختن فقر یا کاهش آثار آن به مؤسسات خصوصی نیازی نباشد. جریان‌ات غالب اجتماعی اعم از مدرک گرایی - که پژوهش قریشی و همکاران (۱۳۹۶) نیز به آن اشاره کرده است - و اصطلاحات و آمارهای انحرافی مانند صندلی خالی و پشت کنکوری و تفکر غالب پشت میز نشینی از دیگر نشانگرهایی است که بر خصوصی سازی آموزش عالی دلالت می‌کند. هم چنین اکثریت قریب به اتفاق صاحب نظران همسو با پژوهش‌هایی مانند تیلاک^۱ (۲۰۰۸)

شرایط سیاسی حاکم بر جامعه را به عنوان مؤلفه‌ای انکارناپذیر متذکر شدند. در اکثر موارد بخشی از خصوصی سازی و تأسیس مراکز آموزش عالی خصوصی بر اثر فشارهای سیاسی و اجتماعی صورت می‌گیرد نه بر اساس نیازسنجی یا برنامه آمایش سرزمین. به زعم آن‌ها امورات خصوصی سازی آموزش عالی تا حد زیادی متأثر از جریان‌های لابی‌گری اداره می‌شود و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری متأثر از لابی‌گری است تا عقلانیت.

بر اساس گفته خبرگان این حوزه، قوانین کاملاً شفاف درباره توسعه، مالکیت یا سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی وجود ندارد و حتی جایگاه آموزش عالی خصوصی کاملاً به رسمیت شناخته نشده است و گاهی در الفاظ و اصطلاحات که به کار می‌رود، تناقض‌هایی وجود دارد. هم‌چنین در قسمتی از خصوصی سازی که واگذاری از دولتی به خصوصی انجام می‌شود باید این انتقال هدفمند بوده و در ضمن مسیر و ارتباط سالمی اتخاذ شود و جزئیات آن هم از نظر مالکیت و اداره در نظر گرفته و تعیین تکلیف شود. در حال حاضر عملاً سه بخش خصوصی، عمومی و حاکمیتی وجود دارد که در ارتباط با هم دچار اختلال هستند و در مواردی تناقض و اصطحکاک دارند، از سویی تدوین بخش‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها با در نظر گرفتن زمینه خاص مراکز غیردولتی و با تعامل و نظرخواهی از نمایندگان دانشگاهی موضوعی است که می‌تواند به موفقیت خصوصی سازی آموزش عالی کمک کند.

در بخش ویژگی‌های دخیل، توجه به محور علمی و سیاست‌گذاری ضروری به نظر می‌رسد. پرداختن به ابعاد وضعیت اساتید از جمله حمایت مالی و روحی و روانی با نتایج ربیعی و نظریان (۱۳۹۱) همسو است؛ استفاده از اساتید مرتبط و متخصص و آموزش از جمله آموزش‌های به روز و تناسب محتوا با نیازهای روز، توجه به کیفیت آموزش و نظارت بر محتوا و مواد آموزشی؛ و دانشجو از جمله کیفیت دانشجوی ورودی و گزینش غیرمتمرکز دانشجو می‌تواند در برخورداری از کیفیت علمی مطلوب کاملاً تأثیرگذار باشد، این یافته‌ها با نتایج پژوهش تیلاک (۲۰۰۸) و رحیمی (۱۳۹۲) هم‌خوانی دارد.

سیاست‌های دولتی نقش کلیدی در ایجاد، رشد و ماهیت بخش خصوصی آموزش عالی دارد. مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که سیاست‌گذاری بر مبنای اسناد بالادستی و با توجه به نیازهای سرزمینی، با توجه به واقعیات و نه آرمان‌گرایانه و پالایش و بازبینی مداوم آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در موفقیت خصوصی سازی آموزش عالی داشته باشد. نمی‌توان بیرون از

این سیاستگذاری های دولتی کار کرد و اسناد بالادستی که در این زمینه وجود دارد مسکوت نیست و مصوباتی وجود دارد که می تواند چهارچوبی برای برنامه ریزی باشد، لذا خصوصی سازی مطلوب آموزش عالی محتاج سیاستگذاری های دقیق بر مبنای این اسناد است. هم چنین استفاده از تجارب کشورهای موفق در خصوصی سازی به صورت بومی شده و اداره و گسترش آموزش عالی بر اساس علوم مرتبط با این حوزه از دیگر عوامل دخیل در فرآیند خصوصی سازی ذکر شده اند. افرادی که آموزش عالی را هدایت می کنند، باید با علوم و تئوری های مرتبط با این حوزه آشنا باشند در حالی که جای تأسف است که اکثراً برنامه ریزان و تصمیم گیرندگان با این بافتها مانوس نیستند. جنبه های اصلاحی این سیاستها از جمله شرایط برابر برای رقابت دانشگاهها، توجه به بالابردن دسترسی به آموزش با در نظر گرفتن کیفیت مناسب - هم سو با پژوهش میرزا (۲۰۲۰) - توجه به تقاضای اجتماعی با توجه به تقاضای اقتصادی و توجه به پیچیدگی های دانشگاهی در واکنش به سیاستها از دیگر عوامل ذکر شده توسط صاحب نظران بوده است.

برای نیل به اهداف خصوصی سازی آموزش عالی و پیاده سازی موفقیت آمیز آن، بر اساس نظر خبرگان و صاحب نظران، سه دسته راهبرد اصلی باید اتخاذ شوند. از حیث حمایتی و مالی، در بخش فرآیند حمایتها، استقرار حمایت های مالی بدو تأسیس، حمایت های مالی و تخصیص بودجه مرتبط با عملکرد و تبلیغ و فرهنگ سازی جهت وقف و کمک های مالی مدنظر صاحب نظران بود که پژوهش های (لانگ ۲۰۱۲) هم به آن اشاره کرده است. در شرایطی که سودآوری صرف و بیش از حد است، می تواند به حذف مشوقها و معافیت های مالیاتی منجر شود. هم چنین انتشار اطلاعات قابل اعتماد در مورد برنامه ها و نتایج و هزینه کرد، و اطلاع رسانی به عموم درباره آن چه انجام می شود، به طوری که تمام افراد جامعه از آن بهره مند شوند می تواند به مصرف کنندگان این امکان را بدهد که با اطمینان بیشتری انتخاب می کنند. و نیز انگیزه حامیان و مشوقان را بیشتر می کند. هم سو با این نتایج، فیلدن و لاروکو (۲۰۰۸) نیز استدلال کرده اند، آموزش عالی خصوصی باید اطلاعات مورد نیاز درباره کیفیت ارائه خدمات و نیز عملکرد خود را در اختیار جامعه و مقامات دولتی قانونگذار قرار دهد و این اقدام می تواند به ساز و کارهایی در جهت بهبود عملکرد بخش خصوصی منجر شود. حمدی و روشن (۱۳۹۰) نیز بیان می کنند که خصوصی سازی به معنی بی نیازی یا کاهش حمایت مستمر و

اساسی دولت از آموزش عالی نیست و تا زمانی که حمایت از آموزش عالی در جهت اهداف توسعه کشور به درجه مطلوبی نرسیده و حتی پس از آن نیز حمایت دولت اجتناب‌ناپذیر است.

در زمینه ارتباطات، ارتباط با صنعت عاملی است که بلاشک به رونق و کیفیت و استمرار بخش غیردولتی خواهد انجامید. غیرانحصاری و غیردولتی شدن صنایع، ایجاد تقاضا برای دانش جدید و آموزش عالی از طرف صنعت از جمله اقدامات لازم در این زمینه هستند. اصولاً دانشگاه‌ها زمانی رشد می‌کنند که تقاضایی از بیرون برای پژوهش و مشاوره وجود داشته باشد، از سوی دیگر صنعت با تأمین نیاز نیروی انسانی خود از دانشگاه بهره‌وری بیشتری خواهد داشت و این تعامل و ارتباط باعث توسعه خصوصی سازی آموزش عالی و اعتلای صنعت از طرف دیگر خواهد شد. توسعه ارتباطات و تعاملات با دانشگاه‌های خارجی، تبادل دانشجو و استاد و فراهم کردن زمینه جذب دانشجوی خارجی از دیگر اقداماتی است که می‌تواند موجب توسعه علمی، عبور از تنگناهای بودجه‌ای و در نهایت اعتلای بخش خصوصی آموزش عالی باشد. در این زمینه صاحب‌نظران به تجربیاتی اشاره می‌کردند که در گذشته همکاری‌های علمی با دانشگاه‌های خارجی، برگزاری کنفرانس‌های مشترک، بازدیدهای دانشگاهی و صنعتی دوجانبه و مواردی از این دست باعث رشد کیفیت آموزش دانشگاهی شده که البته در حال حاضر این ارتباطات به دلایلی از جمله سیاسی محدود شده است. در همین راستا و همسو با این پژوهش لانگ^۱ (۲۰۱۲) اشاره می‌کند که دانشگاه‌ها برای تنوع بخشی به منابع درآمد خود، برای افزایش بازار شرکت‌ها در زمینه تأمین مالی آموزش عالی شرایط مناسبی را فراهم آورند؛ او نتیجه می‌گیرد، خلاقیت و سازگاری آموزش عالی در این زمینه باعث تغییرات چشمگیری در آینده آموزش عالی می‌شود.

در زمینه اقدامات اصلاحی، صاحب‌نظران روی سطح‌بندی دانشگاه‌ها، رشته‌ها و مدارک و تأثیر این سطوح در سیستم حقوق و مزایای ارگان‌ها تأکید داشتند. در این بخش تمایل و اراده دانشگاه برای بهبود کیفیت مؤلفه‌ها تأثیرگذار است. صاحب‌نظران انتظار دارند اگر دانشگاهی واقعاً می‌خواهد پیشرفت کند و کارآمد و موفق شود، شرایط باید فراهم باشد و باید از تلاش حمایت کند؛ گرچه بعضی از دانشگاه‌ها به دلیل نفوذ افراد سودجو تمایلی به بهبود کیفیت



ندارند. هم چنین از نظر آن‌ها ساماندهی رشته‌ها و مراکز دانشگاهی و تبدیل آن‌ها به قطب دانشگاهی از راهبردهای حرکت صحیح و منسجم بخش خصوصی برای تربیت نیروهایی با مهارت‌های مورد نیاز کشور است.

مهم‌ترین پیامدهای پیاده‌سازی این الگو را می‌توان در سه مقوله تحت عناوین پیامدهای کلان، پیامدهای دانشگاهی و فردی و نتایج ناخواسته ذکر کرد. با عملیاتی کردن الگوی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران این امید می‌رود که از سویی شاهد پیامدهای کلان اقتصادی از جمله کارآمدی در استفاده از منابع و کاهش وابستگی به بودجه‌های دولتی - همسو با پژوهش‌های قریشی و همکاران (۱۳۹۶) و آراسته و جمشیدی (۱۳۹۳) - گسترش اقتصاد دانش بنیان، کوچک‌سازی و چابک‌سازی بخش خصوصی و با کاربرد الگوی پیشنهادی در زمینه خصوصی سازی آموزش عالی؛ و از سویی شاهد پیامدهای کلان در زمینه اشتغال مانند افزایش اشتغال، افزایش نیروی انسانی تحصیل کرده و توانایی شرکت‌ها برای جذب و آموزش نیروی انسانی مورد نیاز خواهیم بود.

با کاربرد الگوی پیشنهادی خصوصی سازی آموزش عالی، جایگاه و شأن و منزلت دانشگاه‌های غیردولتی ارتقاء خواهد یافت و رساله‌ها و پایان نامه‌های با کیفیت، جای سرت علمی و کیفیت پایین رساله‌ها را می‌گیرد. فضیلت علم به جای کم ارزش شدن آن، مستقر می‌شود. در بعد فردی، هزینه فرصت فردی معقول مورد انتظار است که پژوهش موک ۲۰۱۱ نیز به آن اشاره می‌کند و در کنار آن آموزشی با کیفیت و با صرفه در دسترس خواهد بود. هم چنین از طرف صاحب نظران نتایج ناخواسته‌ای هم از جمله تبدیل مؤسسات به بنگاه‌های اقتصادی و پررنگ شدن انگیزه انتفاع هم اذعان شد که به رغم خواست و هدف این الگو ممکن است متصور باشد که در پژوهش‌های قارون (۱۳۹۳) و اسماعیل لو (۱۳۹۲) هم به آن اشاره شده است.

با توجه به اهمیت موضوع و فراهم آوردن پیشنهادهایی با هدف انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه، راهکارهای پیشنهاد می‌شود. از جمله این‌که با توجه به مدل به دست آمده، ضروری است تا با توجه به اهمیت موضوع، برنامه‌ای راهبردی در خصوص خصوصی سازی آموزش عالی تدوین و تصویب شود. این برنامه قاعداً باید ضمن توجه به اهداف و مؤلفه‌های نظام آموزش عالی کشور با جنبه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی اسناد بالادستی و از

جمله سند نقشه جامع علمی کشور هماهنگ باشد. همچنین با توجه به مؤلفه‌های بخش اقدامات اصلاحی، از آن جایی که ادغام مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی تقریباً داوطلبانه بوده (به دلیل شخصی بودن دارایی‌های مؤسسات)، وزارت علوم تسهیلات لازم برای اجرایی شدن ادغام داوطلبانه مؤسسات غیرانتفاعی داوطلب را ایجاد کرده تا فتح بابی در این زمینه صورت گیرد و این جریان آغاز شود. در همین زمینه مشکلاتی در زمینه صدور مجوز، اساسنامه و تعداد هیأت‌امنا وجود دارد که نیازمند همکاری‌های دستگاه‌های دست‌اندرکار و اصلاح قوانین است. توصیه می‌شود با توجه به مؤلفه‌های پایگاه قانونی و اقتصادی و بخش حمایتی و مالی، بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی از طریق پیش‌بینی معافیت‌های مالیاتی، وام‌های کم بهره، معافیت‌های گمرکی، معافیت از عوارض شهرداری‌ها برای ساخت و ساز و تسهیلات لازم برای اخذ پروانه ساختمانی با گنجاندن تبصره‌های «قانونی» و تصویب مجلس شورای اسلامی تشویق شود. همچنین با توجه به مقولات محوری و بخش اقدامات اصلاحی، بازنگری در مقررات و ضوابط جاری وزارت علوم انجام شود، به نحوی که دانشگاه‌های بخش خصوصی با آیین‌نامه‌های مربوط به خود اداره شوند و اختیارات هیأت مؤسس و امنا جهت تسهیل در تصمیم‌گیری‌های مربوطه، در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی غیرانتفاعی افزایش یابد.

منابع

- آراسته، حمیدرضا و جمشیدی، لاله (۱۳۹۳). عوامل تأثیرگذار بر توسعه کمی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران. *مجله علوم تربیتی*، ۲ (۲۱): ۸۳-۱۱۲
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های منبایی، رویه‌ها و روش‌ها*. مترجم محمدی، بیوک. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- اسماعیل‌لو، زهرا (۱۳۹۲). *خصوصی‌سازی در آموزش عالی و بررسی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و پرورشی آن از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی شهر ارومیه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مدیریت آموزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه. ارومیه.
- جمشیدی، لاله و آراسته، حمیدرضا (۱۳۹۱). الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران. *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، ۱ (۵): ۱-۳۷

- حمدی، کریم و روشن، احمدرضا (۱۳۹۰). راهبرد خصوصی سازی آموزش عالی در ایران، فصلنامه پژوهش های مدیریت راهبردی. ۴۸: ۸۳-۹۰
- ربیعی، علی و نظریان، زهرا (۱۳۹۱). موانع خصوصی سازی آموزش عالی در ایران و ارائه راهکارهایی جهت رفع آن ها. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۲ (۴): ۱۷۱-۲۰۵
- رحیمی، سحر، (۱۳۹۲). تحلیل استراتژیک پردیس شماره ۲ دانشگاه شهید بهشتی با استفاده از مدل swot. پایان نامه کارشناسی ارشد. مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ستوده، رضا (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل روند توسعه آموزش عالی دولتی و خصوصی در ایران (مقایسه تطبیقی با کشورهای توسعه یافته). پایان نامه کارشناسی ارشد. علوم اقتصادی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان.
- سعادت مند، فروزنده (۱۳۹۰). میزان رضایت دانشجویان در مؤسسات آموزش عالی خصوصی. پایان نامه کارشناسی ارشد. MBA، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران.
- صالحی، سیدجواد، روشن، احمدرضا و حاتمی، داود (۱۳۹۱). بررسی مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی ایران: از دیدگاه رؤسای دانشگاه ها. پژوهش در نظام های آموزشی، ۱۹ (۶): ۷۵-۱۰۰
- قارون، معصومه (۱۳۹۳). سیاست های گسترش آموزش عالی در سال های اخیر: توسعه ظرفیت یا اتلاف منابع؟ فرآیند مدیریت و توسعه، ۲ (۲۷): ۳-۲۸
- قریشی خوراسگانی، مریم سادات، یمنی دوزی سرخابی، محمد، ذاکر صالحی، غلامرضا و مهران، گلنار (۱۳۹۶). تحلیل محتوای مقالات حوزه خصوصی سازی آموزش عالی در مجلات علمی کشور. سیاست علم و فناوری. ۳۵: ۶۱-۷۶
- هاشمیان، فخر السادات، زندیان، هادی و آقامحمدی، جواد (۱۳۹۴). تحلیل مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزش ایران. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، ۱۲ (۳): ۱-۲۶

- Altbach, P. G., Reisberg L. and Rumbley L. E. (2009). *Trends in global higher education: Tracking an academic revolution*. Published by UNESCO.
- Arasteh, H. and Jamshidi, I. (2014). Factors Affecting the Quantitative Development of Higher Education Privatization in Iran. *Journal of Educational Sciences*. 2 (12): 83-112 (Text in Persian).
- Balbachevsky, E. and Simon S. (2011). "Brazil: Diverse Experience in Institutional

- Governance in the Public and Private Sectors.*” In Changing Governance and Management in Higher Education: The Perspectives of Academy, edited by William Locke, William Cummings, and Donald Fisher (pp. 35–56). Dordrecht, Netherlands: Springer.
- Esmaeellu, Z. (2013). *Privatization of Higher Education and the Review of its economic, social, educational consequences From the perspective of students and faculty of universities and higher education institutions in Urmia*. MA thesis in Educational Management. Faculty of Literature and Humanities, University of Urmia. Urmia. (Text in Persian).
- Fielden, J. and LaRocque, N. (2008). The Evolving Regulatory Context for Private Education in Emerging Economies. Discussion paper. *The World Bank Group. International Colloquium on Private Education.*
- Gharun, M. (2015). Higher education expansion policies in recent years: Capacity development or waste of resources? *Management and development process.* 2 (27): 3-28. (Text in Persian).
- Ghoraishi khorasgani, M., Yamani, M., Zakersalehi, G. and Mehran, G. (2017). A Content Analysis of Articles in Privatization of Higher Education in Iran Scientific Journals. *Journal of Science & Technology Policy*, 9(3): 61-76. (Text in Persian).
- Hamdi, K. and Roshan, A. (2011). The privatization strategy for higher education in Iran. *Journal of Strategic Management Researches*, 48: 83-90. (Text in Persian).
- Hashemian, f., Zandian, H. and Aghamohammadi, J. (2016). Analysis of private sector participation in the Iranian education system. *Journal of Strategic and Macro Policies.* 12 (3): 1-26. (Text in Persian).
- Hoang, L. (2019). Twin Privatization in Vietnam Higher Education: The Emergence of Private Higher Education and Partial Privatization of Public Universities. *High Educ Policy* 32, 359–380
- Jamshidi, L. and Arasteh, H. (2012). Major requirements of quality development in privatization of higher education in Iran. *Journal of Iranian higher education*, 1 (5): 1-37. (Text in Persian).
- Kerekes, C.B. (2010). Privatize It: Outsourcing and Privatization in Higher Education. Hall J.C. (Ed.). *Doing More with Less: Making Colleges Work Better* (pp. 235-247). New York: Springer.
- Levy. D. c. (2010). *viewing private higher education: how much, where, why and what?* University at Albany. P 622-627
- Levy. D. c. (2011). Public Policy for Private Higher Education: A Global Analysis, *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 13 (4). 383-396
- Lung, m., Lonmoldovan and nistor (2012). *financing higher education in eroupe: issues and challenges*, social and behavioral sciences. P 938-942
- Mirza, Prof. Mahrukh and Nisa, Zaibun (2020). *Privatization of Higher Education:*



- A Study on Students' Perspective.* Available at SSRN: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3569511>
- Mok, K. H. (2011). *Liberalization of the Privatization in Higher Education: Funding Strategies, Changing Governance and Policy Implications in Asia*, Teixeira, P. N., & Dill, D. D. (Eds), Public vices, private virtues? Assessing the effect of marketization in higher education (pp 19-43), Rotterdam. Sense Publishers.
- Rabiee, A. and Nazarian, Z. (2012). Obstacles to the Privatization of Higher Education in Iran and Presentation of Appropriate Strategies for their Removal. *Journal of Iranian higher education*, 2 (4): 171-205. (Text in Persian.)
- Rahimi, S. (2013). *Strategic Analysis of Shahid Beheshti University Campus (2) Using SWOT Model. MA thesis in Educational Management*, Faculty of Education and Psychology, University of Shahid Beheshti. (Text in Persian).
- Saadatmand, F. (2012). *Satisfaction of students in private higher education institutions. MA thesis in MBA*. Faculty of Economics and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran. (Text in Persian).
- Salehi, s., Roshan. A. R. and Hatami, d. (2013). A Study of Private Sector Participation in Higher Education in Iran: From the Perspective of Universities Presidents. *Research in educational systems*. 19 (6): 75-100. (Text in Persian).
- Sotude, R. (2017). *Study and analysis of the development trend of public and private higher education in Iran (comparative Study with developed countries)*. MA thesis in Economical science, Faculty of Literature and Humanities, University of Zanjan. (Text in Persian).
- Strauss, A. and Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Translator Mohammadi, B. (2011). Tehran: The Research Center of Humanities and Cultural Studies (Text in Persian.)
- Teixeria.p. (2009). *Mass higher education and private institution. Higher education to 2030*, 2, OECD publication
- Tham. S. Y. (2011). *Exploring Access and Equity in Malaysia's Private Higher Education*. ADBI Working Paper 280. Tokyo: Asian Development Bank Institute, Available at: <http://www.adbi/workingpaper/2011/04/19/4513.access.equity.malaysia.higher.educ/>
- Tilak j. b. g (2008). *Current trends in private higher education in asia*, national university of educational planning and administration
- Yıldırım, M. (2014). Effects of privatization on education quality and equity: Comparison of a public and a private primary school in Turkey. *European Journal of Research on Education*, 2014, Special Issue: Contemporary Studies in Education, 40-46.

Designing the privatization model of higher education in Iran

Asma Azizi*¹, Mohammad Yamani Duzi Sorkhabi², Abasalt
Khorasani³ and HamidReza Arasteh⁴

Abstract

The present study aimed to examine the elements of privatization of higher education in Iran, and to introduce the main components and categories of this field in the country, and finally to provide a desirable model in accordance with the context of Iran. This study has used the qualitative strategy and grounded theory method. To collect the data, a number of samples were first identified using initial exploratory studies including documentary study and preliminary interviews with experts, the other members of the sample were then selected by snowball (chain) sampling, and 16 semi-structured interviews with specialists and professors of the area of higher education and privatization of higher education were conducted. The validity of the findings was confirmed by receiving the opinions of higher education experts and participants in the research on the correctness of the findings and interpretations and its reliability by coding method using peer review. The results were presented in the form of a model consisted of 13 main categories including causal factors (Time requirements, Economic legal base), contextual factors (Cultural context, Political context, Legal context), interfering factors (Scientific axis, Policy-making), strategies (Supportive and financial, connections Corrective actions), and outcomes (Big consequences, Academic and individual consequences, Unwanted results). Also, privatization of higher education was presented as the central category of the model and 36 sub-categories were presented.

Keywords: *Privatization, Higher education, university*

1. Corresponding author: PhD student of Higher Education Management, higher education, Department of Educationa and Phychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. A.azizi1388@yahoo.com

2. Professor of higher education, Department of Educationa and Phychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. m-yamani@sbu.ac.ir

3. Associate professor of Higher Education, Department of Educationa and Phychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. drkhorasanitr@gmail.com

4. Professor of Educational Management, Department of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran. arasteh@tmu.ac.ir

DOI: 10.22051/jontoe.2020.31019.3033

https://jontoe.alzahra.ac.ir/article_5199.html